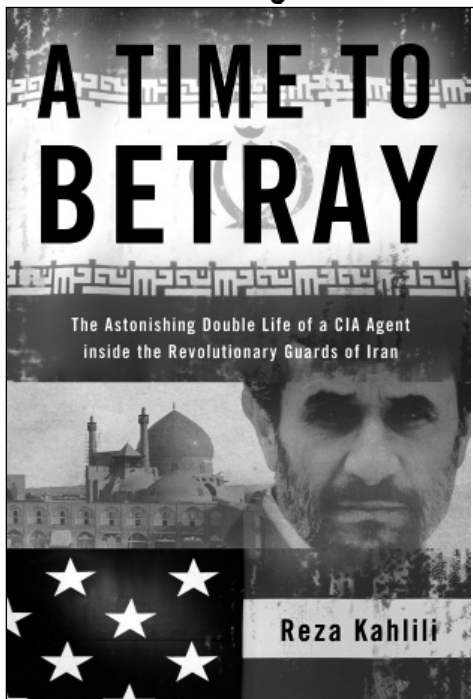


# زمانی مناسب برای خیانت

نویسنده: رضا کهلیلی

"A Time to Betray" The Astonishing Double Life of a CIA Agent Inside the Revolutionary Guards of Iran



## ● زمانی مناسب برای خیانت - زندگی حیرت آمیز یک جاسوس سازمان سیا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

رضا کهلیلی داستانی واقعی و تکان دهنده زندگی خود را که به عنوان یک جاسوس در سپاه پاسداران نفوذ کرده بود برای اولین بار در کتاب خاطراتش A Time to Betray «زمانی مناسب برای خیانت»، به زبان انگلیسی، به قلم می آورد.

داستان زندگی رضا که از زمان کودکی او شروع می شود ما را به کوچه پس کوچه های خاخره آمیز تهران می کشاند. رضا در کتابش زندگی فرد فرد ایرانی را به ترسیم می کشد و به سادگی و با احساس درونی اش، صدایش را به دنیا می رساند که چگونه لطافت و شادمانی زندگی در ایران به دست آیت الله خمینی نابود می شود و کشور به یک ویرانرا تبدیل می گردد.

رضا دوستان کودکی خود را، ناصر و کاظم، پدر بزرگ و مادر بزرگش که او آنها را آقا جون و خانوم بزرگ اسم می برد، مینا و ریشه اصلی پا گرفتن زندگی اش می شمرد و در شروع کتابش به وضوح ترسیم کرده و توسط این شخصیتها ریشه مذهب، فرهنگ و سنت ایرانی را به دنیا معرفی می نماید.

رضا بعد از فارغ تحصیل شدن از دبیرستان به آمریکا می آید و دوران جوانی و تحصیلات عالی را در لس آنجلس می گذراند. مثل هر جوان عادی، رضا یک زندگی دانشجویی و خوشگذران را ادامه می دهد. انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ رضا را با شور و هیجان جدیدی به ایران برمی گرداند. رضا هم مثل میلیونها ایرانی هموطنانش باور داشت که خمینی به قول و وعده هایش عمل کرده و ایران را به جهت آزادی و دموکراسی می کشاند.

اما انقلاب دو دوست صمیمی او را به دو جبهه مختلف می کشاند. ناصر به سوی مجاهدین و کاظم، وفادار به امام وارد سپاه پاسداران انقلاب می گردد. رضا نیز به دنبال کاظم با هزاران امید به استخدام سپاه در می آید.

«زمانی مناسب برای خیانت A Time to Betray» زمانی است که رضا دیگر تحمل کشتارها و جنایات دولت اسلامی را که به اسم خدا صورت می گیرد ندارد. او با چشمان خود شاهد بدرقه شدن دختران جوان و معصوم ایرانی به سوی جوخه اعدام در زندان اوین می شوند. قلب و روح رضا به خروش می آید. زمانی که انقلاب بهترین دوست او را نا عادلانه به زندان کشیده و اعدام می کند، رضا دیگر خود را نمی شناسد. او چه می تواند بکند؟ رضا خشمگین و دل شکسته راهی آمریکا می شود و به دنبال کمک برای آزادی کشورش با سازمان افبی آی تماس حاصل می کند. آنها او را به ایجنس (مأمور) سازمان سیا معرفی کرده و دست سرنوشت ورق خورده و رضا جوان در سن ۲۷ سالگی با ورجسب خائن و جاسوس به کشورش برمی گردد.

زندگی رضا که روزی یک همسر وفادار، یک فرزند سربزیر و یک پاسدار قسم خورده بود برای همیشه عوض می شود، او حالا «والی» نام دارد و کارش در خلوت و

پنهان گزارش دادن به «سازمان سیا» می باشد. رضا در منجرباب فکری خود که سرشار از ترس و واژه برای فرد فرد خانواده اش هست، همچنان به زندگی دوگانه خود ادامه داده و امید آزادی ایران و انتقام از دولت خونخوار اسلامی او را در تصمیمش استوارتر کرده است.

رضا در گزارش های خود به سیا اسرار دولت اسلامی را بر ملا می کند. او از همکاری کشورهای اروپایی در ترور مخالفان رژیم در اروپا و همکاری چین، شوروی و کره شمالی با رژیم جمهوری اسلامی به سیا گزارش می دهد. رضا برای سیا از عملیات سپاه در داخل و خارج ایران خبر می فرستد، او از برنامه های اتمی ایران به سیا گزارش می دهد... او از مشارکت ایران و بمب گذاری هواپیمای پان ام - پرواز ۱۰۳ (لاکربی) گزارش می دهد...

داستان زندگی رضا پر از التهاب، هیجان و احساس می باشد. هر فصل کتاب پر از رویداد و حوادثی است که قلب آدمی را به تپش می آورد. رضا در «زمانی مناسب برای خیانت A Time to Betray» به وضوح به ترسیم می کشاند که برای بیشتر از ۳ دهه چه بر سر ایران و ایرانی آمده. او به دنیا نشان می دهد که ایرانی از جمهوری اسلامی جداست. ایرانی آزاده است و باید آزاده بماند.

ناشر:

Simon & Schuster / Threshold Editions

تاریخ چاپ: April 06, 201۰

نویسنده: رضا کهلیلی

وبسایت ناشر: [www.atimetobetray.com](http://www.atimetobetray.com)

قابل دسترس در تمام کتابخانه های آمریکا و کانادا و در

تمام دنیا از طریق [Amazon.com](http://Amazon.com)